

## در حاشیة همایش رسانه تلویزیون و سکولاریسم

مادی، و نظر مخترعان آن، نظر مادی‌گرا نه بوده است، نمی‌توان به عنوان ابزار، استفاده صحیحی از آن کرد؟. شکی نیست که سیاست کلی حاکم بر تلویزیون، سیاست اسلامی است، و تجربه سده‌ه تلویزیون پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نشان داده که چنین استفاده‌ای مقدور است. رسانه ملی و تلویزیون متناسب با جامعه اسلامی، -مانند اصل نظام جمهوری اسلامی- در دنیا سابقه و الگو نداشت، و آنچه اکنون هست، بازحمات فراوان و با فراز و نشیب‌های زیاد، و پشت سر نهادن مشکلات و موانع فراوان و آزمون و خطا، طراحی و برنامه‌ریزی شده و شکل گرفته و به مرحله کنونی رسیده و اکنون در خدمت نظام جمهوری اسلامی

اخیراً همایش سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران، در قم برگزار شد. خارج از بحث‌های فنی و تخصصی درباره تکنولوژی تلویزیون و انگیزه‌های ابداع آن در غرب، و اهدافی که از ساخت چنین ابزاری در نظر داشتند، آنچه برای ما بیشتر اهمیت دارد، چگونگی استفاده از این ابزار و چگونگی برنامه‌های آن است. بحث مهم این است که آیا نگاه کلان کنونی طراحان و برنامه‌سازان تلویزیون، نگاه سکولاریستی (حذف دین و معنویت از زندگی انسان) است یا نگاه دینی و همسو با اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی؟  
آیا چون خاستگاه تلویزیون، غرب

قرار دارد و نه تنها برنامه‌های خوب دینی، فرهنگی، سیاسی، سرگرمی ارائه می‌کند، حتی شبکه مستقلی مانند شبکه قرآنی سیما تأسیس کرده است. و اگر گفته می‌شود: «رسانه جمهوری اسلامی ایران پاک‌ترین و دینی‌ترین رسانه در جهان است» سخن درستی است و از این نظر هرگز نباید تلاش‌های بی‌دریغ مسئولان گذشته و کنونی آن را نادیده گرفت.

اما با همه اینها هنوز هم تلویزیون تاقله مورد انتظار فاصله دارد و ضعفها و آسیب‌هایی دارد که جهت اختصار، تنها به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. ریاست محترم سازمان صدا و سیما در دیدار با بزرگان حوزه علمیه قم، در تشریح فعالیت‌های رسانه ملی و تلاش‌های آن در جهت انطباق برنامه‌ها با ضوابط اسلامی، ضمن انتقاد از وضعیت اخلاقی فیلم‌های سینمایی تولید شده در کشور اظهار داشته است:

«متأسفانه از صد فیلمی که در چند سال گذشته در داخل تولید شده است، ده فیلم را هم نمی‌توانیم بخش

کنیم. وقتی این مطلب را محضر مقام معظم رهبری مطرح کردیم، ایشان از مجموعه صدا و سیما خواستند که در زمینه تولیدات سینمایی اقدام کند. سال گذشته صد فیلم سینمایی تولید کردیم که در هیچ کدام از آنها یک تارمو از خانمی بیرون نیست»<sup>(۱)</sup>.

جای این سؤال هست که آیا سریال‌های تهیه‌شده در شبکه‌های مختلف تلویزیون نیز همین‌گونه است؟ آیا واقعاً در سریال‌ها، وضع پوشش بازیگران از نظر فقهی وضع مقبولی است؟ اگر به دقت بررسی کنیم، تصدیق خواهیم کرد که در تعدادی از سریال‌ها در مورد حجاب، در واقع هنجارشکنی می‌شود. آیا در سلامت و نزاکت یک فیلم و سریال همین کافی است که یک موی خانمی بیرون نباشد، اما در عمل بدآموزیهایی همراه داشته باشد.

در تعدادی از سریال‌ها، نه تنها حجاب ترویج نمی‌شود، بلکه تحقیر هم

۱. نشریه افق حوزه، ۱۳۸۶/۳/۲.

می‌شود، و اغلب، زنان با حجاب و دارای پوشش اسلامی، در نقش‌های منفی (کلفت، فضول، سخن‌چین، قرقرو و خرافاتی، بی‌سواد، بدخلاق و...) ظاهر می‌شوند و برعکس، زنانی که از پوشش مناسب برخوردار نیستند، در قالب پزشک، تکنیسین، استاد دانشگاه، دانشجو و... نقش بازی می‌کنند!

۲. طبق شواهد و اطلاعات غیر رسمی، در میان مدیران و برنامه‌سازان تلویزیون، مدیرانی هستند که از رئیس رسانه ملی هم اطاعت نمی‌کنند و به هیچ وجه نقدپذیر و پاسخگو نیستند و تنها سلیقه خود را صائب می‌دانند. اگر چنین نیست، چرا به دیدگاه‌ها و گاهی تذکرات و نقدهای مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، هیچ اهمیتی نمی‌دهند. اگر تفکر سکولاریستی، در تلویزیون نفوذ نکرده، چرا حداقل یک مورد از موارد اختلاف نظر را - مثل آقای رئیس جمهوری در مورد حضور بانوان در ورزشگاه‌ها - فی‌المثل به نظر رهبری ارجاع نکرده و نمی‌کنند؟!

۳. تلویزیون، با پخش تبلیغات

بازرگانی پرجاذبه، و نشان دادن مدهای رنگ و وارنگ بر تن بازیگران، نمایش خانه‌های شیک، آشپزخانه‌های لوکس، و زندگی‌ها و عروسیهای مجلل، عملاً به مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی دامن می‌زند. پخش تبلیغات بازرگانی، با این توجیه که بخشی از هزینه‌های رسانه ملی از آن راه تأمین می‌شود، هرگز توجیه درستی نیست و مثل این است که ما سیگار را ترویج کنیم تا از محل عواید آن، درمانگاه و مراکز خیریه بسازیم. اگر واقعاً رسانه ملی کمبود بودجه دارد، می‌تواند از راه صرفه‌جویی در هزینه‌ها، کاهش سرعت توسعه کمی، جبران کند. ۴. طنز را هرگونه تعریف کنیم، نمی‌توان بعضی از سریال‌ها را که به نام و عنوان طنز تولید و پخش می‌شود و خمیرمایه اصلی آن‌ها جز لوده‌بازی، مزه‌پرانی، کلمات رکیک، حرکت‌های دور از نزاکت تشکیل می‌دهد، طنز نامید. البته برای نقد این‌گونه سریال‌ها هم از درون خود رسانه ملی افرادی دعوت می‌شوند که طبعاً نقدی جز به‌به و چه‌چه از آنان شنیده نمی‌شود. بر این

دعوت می‌کند. اطلاعات دقیق و مستند نشان می‌دهد که کارشناسان و صاحب‌نظران زبده و شناخته‌شده حوزوی از این وضع راضی نیستند و معمولاً رغبتی به این نوع همکاری علمی از خود نشان نمی‌دهند. به همین علت در سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شاهد بودیم که در تبیین سیره پیامبر اعظم در تلویزیون، صاحب‌نظران در تاریخ اسلام و سیره‌شناسان زبده در شبکه‌های تلویزیون حضور نداشتند. پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای یا شورایی (یا با هر نام مشابهی) مرکب از نمایندگان سازمان صدا و سیما، مدیریت حوزه علمیه، و دفتر تبلیغات اسلامی تشکیل شود و کارشناسان رشته‌های مختلف علوم اسلامی (کلام، فلسفه، تاریخ و سیره، علوم قرآنی، حدیث‌شناسی و...) از طریق این شورا دعوت شوند و این همکاری به صورتی، نهادینه شده استمرار و توسعه یابد و شورای یادشده بر روند همکاری نظارت و عیب و ضعف محتمل را برطرف کند.

باوریم که اگر اراده و انگیزه وجود داشته باشد، و اگر هنر را برای هنر نخواهند، رسانه ملی توان تولید طنز را دارد.

۵. شنیده‌ها و اطلاعات غیر رسمی از درون تشکیلات تلویزیون حاکی است که گاهی دستهایی پنهان برنامه‌هایی از قبیل آنچه در بند ۴ گفته شد، به هزینه رسانه ملی تولید و بدون طی مسیر قانونی و روال پس‌دیرفته شده در تلویزیون، به آنتن می‌فرستند! در صورت تمایل مسؤلان محترم تلویزیون، نام و عنوان نمونه‌ای از اینها را با نام تهیه‌کننده و کارگردان به صورت محرمانه معرفی می‌کنیم. طبعاً سوابق آنها در سازمان صدا و سیما هست.

۶. سخن آخر این که استفاده از کارشناسان حوزوی (خارج از بدنه تلویزیون) دچار آشفتگی است و هیچ ضابطه تعریف شده‌ای که بیان‌کننده این رابطه و حافظ حقوق و شؤون علمی و معنوی آنها باشد، وجود ندارد و هر تهیه‌کننده‌ای از هر شبکه‌ای، بر حسب مورد و به صورت مقطعی از کارشناسی